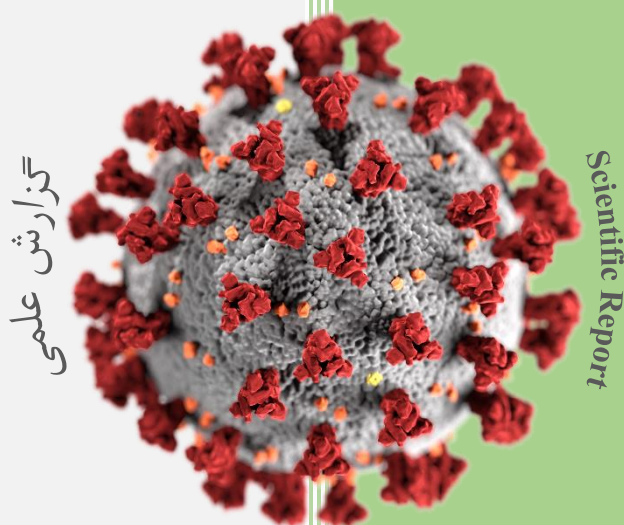


دانشگاه تربیت مدرس



دیده‌بانی علمی بیماری کووید ۱۹



بحران کووید ۱۹ در الجزائر و بازتاب آن در ادبیات این کشور

دکتر خلیل پروینی^۱، ثریا رحیمی^۲

^۱استاد، ^۲دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب دانشکده علوم انسانی

parvini@modares.ac.ir

دانشگاه تربیت مدرس

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۱۲ خرداد ۱۳۹۹

برای دسترسی به آرشیو گزارش‌ها به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<https://modares.ac.ir/~covid>

گروه مطالعات علم و فناوری - ۳۶

مقدمه

آنچه امروز بر جهان می‌گذرد گویی پرده‌ای از یک روایت مشهور است که وضعیت زمین را پس از انتشار ویروسی کشنده بازگو می‌کند. ویروسی که پهنه هستی را در حاله‌ای از ترس، وحشت و ابهام فروبرده است. در واقع، کووید ۱۹ تخیلات ادیبانه نویسندگانی چون آلبر کامو، جووانی بوکاچیو، ژوزه ساراماگو^۱ و دیگرانی از این دست را در عالم واقع تجسم بخشیده است. به‌گونه‌ای که عشق به زیستن و تلاش برای بقا، به سرعت از ازدحام شهرها کاسته و مردم را از عرصه خیابان‌های پرتلاطم به چهاردیواری خانه‌ها کشانده است و فویبای مرگ، خارج شدن از خانه را به یک ماجراجویی مخاطره‌آمیز تبدیل کرده است.

کرونا ویروس جدید که مدت زمان زیادی از پیدایش و شیوع آن نمی‌گذرد، به‌سرعت تمام سرزمین‌ها را درنوردیده و در این میان کشورهای مختلف آسیایی، اروپایی و عرب و عجم را به یک میزان درگیر نموده است. یکی از کشورهای مغرب عربی که این روزها بحران کرونا را هم‌زمان با بحران‌های داخلی خود تجربه می‌کند، کشور الجزائر است. مردم این کشور در سالی که گذشت روزهای پرتنش و سختی را پشت سر نهادند و علاوه بر مشکلات اقتصادی، عرصه سیاسی این کشور نیز دست‌خوش تحولات بسیاری بود. در این مقاله برآنیم تأثیر شیوع کرونا را در کشوری که خود هم‌زمان درگیر بحران داخلی و تغییرات عمده در صحنه سیاست بود بررسی نماییم و تغییرات محسوسی را که ظهور و گسترش بیماری جدید در این کشور و به‌ویژه در عرصه ادبیات آن برجای نهاده دنبال کنیم.

تغییر مسیر تظاهرات با شیوع کرونا ویروس جدید

الجزائر که پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۶۲ میلادی تا کنون بحران‌های متعددی را پشت سر گذاشته است، در سال گذشته نیز بار دیگر صحنه اعتراض‌های مردمی و تظاهرات فراگیر اقشار مختلف جامعه بود که خواستار برکناری "عبدالعزیز بوتفلیقه" رئیس‌جمهور فعلی کشور بودند که مدت ۲۰ سال به‌عنوان پیروزِ بلامنازع انتخابات، قدرت را در صحنه سیاسی این کشور در دست داشت و بار دیگر در سن ۸۲ سالگی و با وجود بیماری و کهولت سن کاندیدای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری بود. اعلام خبر نامزد شدن بوتفلیقه برای انتخابات، موجی از واکنش‌ها و اعتراض‌ها را در این کشور به دنبال داشت. پس از شش هفته تظاهرات گسترده ضددولتی در الجزائر، عبدالعزیز بوتفلیقه به‌طور رسمی استعفای خود را از ریاست‌جمهوری الجزائر اعلام کرد.

^۱سه رمان معروف؛ "طاعون" اثر آلبر کامو، "کوری" نگاشته ژوزه ساراماگو و "دکامرون" از آثار جووانی بوکاچیو به مسأله همه‌گیری یک بیماری در زمانی اندک می‌پردازند و شیوع یک بیماری را با سرعت بسیار به تصویر می‌کشند که انسان را در مقابل تقدیری محتوم قرار می‌دهد.

پس از کناره‌گیری بوتفلیقه، "عبدالقادر بن صالح" رئیس پارلمان این کشور به صورت موقت ریاست‌جمهوری این کشور را عهده‌دار شد، اما استعفای بوتفلیقه و انتصاب بن صالح، از شدت ناراضی‌های مردم الجزایر نکاست و الجزایری‌ها خواستار برکناری تمام مقامات دولت سابق بودند. گرچه انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه دسامبر برگزار شد و "عبدالمجید تبون" نخست‌وزیر پیشین توانست حدود ۵۸ درصد از آرا را از آن خود کند. اما، این انتخابات درحالی برگزار شد که هزاران نفر آن را تحریم کرده و در مخالفت با برگزاری آن به خیابان‌ها آمده بودند. (رک: الجزائر الآن <https://algeriemaintenant.com>)

در این میان، بحران شیوع کووید ۱۹ درحالی اوضاع این کشور را تحت تأثیر خود قرار داد که جمعه‌های الجزائر هم‌چنان شاهد حضور هزاران معترض الجزائری در خیابان‌های این کشور بود. مقامات این کشور هم‌زمان با مشاهده نخستین نشانه‌های ابتلا به ویروس، مانند بسیاری از کشورهای دیگری که با این بحران درگیر بودند تدابیر امنیتی و پیش‌گیرانه متعددی را اتخاذ کردند. تعطیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، محدود کردن فعالیت بخش‌های مختلف اداری، توقف پروازها و لغو ارتباطات داخلی و خارجی، منع آمدوشد و الزام قرنطینه خانگی و ممنوعیت خروج جز در موارد ضروری از جمله تدابیری است که توسط مقامات الجزائر برای مقابله با شیوع بیماری جدید اتخاذ شد. با وجود این تدابیر اما ویروس جدید تاکنون بیش از ۶۴۴۲ نفر را در الجزائر مبتلا نموده و جان ۵۳۰ نفر را در این کشور گرفته است.

هم‌زمان با بالا رفتن شمار مبتلایان به کرونا در الجزائر، اعتراض‌های عمومی و حضور مردم در خیابان‌های این کشور به‌صورت موقت متوقف شده است و بحران جدید، سیاست الجزائر را تحت تأثیر قرار داده و از جانبی دیگر، تبعات سوئی را بر اقتصاد این کشور که وابسته به صادرات نفت است برجای نهاده است. فضای مجازی و به‌طور ویژه صفحات فیسبوک که عاملی مهم در هدایت مردم و ایجاد هماهنگی در جنبش‌ها و اعتراض‌های ضد دولتی بود در پی شیوع بیماری و جدی شدن بحران ویروس در الجزائر، به شکلی محسوس تغییر کرد؛ در آغاز، واکنش به شیوع کرونا در این کشور، نشر کلیپ‌ها و مطالب طنزآمیز و به‌سخره گرفتن کرونا - به‌عنوان یک واکنش طبیعی بشر در بحران‌های همه‌گیر - بود و با شدت گرفتن شیوع ویروس و اوج گرفتن غافلگیرکننده شمار مبتلایان و جان‌باختگان، به‌تدریج از جو طنز و مطایبه‌گویی کاسته شده و در دو جهت: ایجاد آرامش عمومی با چالش‌هایی هم‌چون انتشار عکس‌های امیدبخش و یا هدایت و تقویت حرکت‌های خودجوش و داوطلبانه مردمی در گندزدایی محیط و تهیه بسته‌های معیشتی برای اقشار آسیب‌دیده دنبال شد.

در این میان، ادبیات اما با شتابی شاید کم‌تر از سیر برق‌آسای حوادث سیاسی، همراه با مردم در صحنه‌های مختلف برای مبارزه با ویروس جدید حضور داشت و شاهد آفرینش‌های ادبی بدیع و ارزنده‌ای بود که در نوع خود قابل تقدیراند. از

جمله قصیده‌هایی که توسط شاعران الجزائری در وصف شرایط جدید سروده شده و در ادامه یکی از این اشعار به‌عنوان نمونه‌ای از این آفرینش‌های ادبی بررسی خواهد شد.

همراهی ادبیات و تاریخ

ادبیات در بستر تاریخ شکل می‌گیرد و رابطه تنگاتنگ آن با تاریخ انکارنشده است. شاید بتوان ادعا کرد پس از کتاب‌های تاریخی، هیچ اثری به اندازه ادبیات نمی‌تواند ما را با سرگذشت ملت‌ها آشنا کند. ادبیات یکی از مهم‌ترین ارکان تمدن‌سازی است و به جرأت می‌توان گفت ملتی نیست که نویسندگان آن در طول تاریخ در بنای فرهنگ و جهت‌دهی حوادث اجتماعی آن نقش برجسته‌ای نداشته باشند. جنگ‌ها و حوادث بزرگ تاریخ، نویسندگان و نابغه‌های ادبی برجسته‌ای را پروریده که شاهکارهای بدیع و بی‌نظیری را به ادبیات جهان تقدیم داشته‌اند. (رک: میرزا بابا زاده فومشی، و زارع، ۱۳۸۹؛ ص ۷۰ و نریمانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ص ۸۹)

در سایه بحران کنونی که تمام بشریت را به خود مشغول داشته است می‌توانیم باز هم شاهد آفرینش‌های ادبی باشیم که زیبایی‌های جدیدی را به ادبیات جهان عرضه خواهند کرد؛ به‌ویژه شرایط کم‌سابقه‌ای که جهان اکنون آن را تجربه می‌کند و اجبار برای در خانه ماندن به هدف مصون داشتن خود و جامعه از تهدیدهای ناشی از شیوع بیماری می‌تواند فرصتی را مهیا کند که بسیاری از ذوق‌ها و عواطف در سایه این تنفس مقطعی و شاید کوتاه‌مدت زمین و طبیعت شکوفا شود و می‌توان انتظار داشت ادبیاتی نو در نهایت این بحران به جهان عرضه شود و هم‌چون شاهکار طاعون‌آلبر کامو، شاهد گونه‌ای جدید از ادبیات با عنوان ادبیات کرونا باشیم. کامو در این شاهکار ادبی، قهرمانی است که در برابر مرگ و میر مظلومانه انسان‌ها قیام می‌کند. در سال‌های جنگ جهانی دوم «که امید به زندگی در میان فرانسویان به حداقل کاهش یافته و یأس و نومیدی در دل‌هایشان ریشه دوانیده بود و سایه گرسنگی، مرگ، بیماری و... بر زندگی مردم به‌خوبی احساس می‌شد، کامو با قلم زدن به هدف دلگرم کردن مردم به حیات، به‌نوعی در حل خدمت به بشریت بود. خدمتی که نه‌تنها مختص فرانسویان نبود، بلکه در سرتاسر جهان انسان‌های زیادی را از باتلاق پوچی رهانید.» (فارسیان و قادری، ۱۳۹۸؛ ص ۱۰۷-۱۰۸) ادبیات نوین پساکرونا می‌تواند ادبیاتی سیاه یا بدبین و یا ادبیاتی سفید و امیدوار باشد و چه بسا شاهد فکاهه‌ها و طنزنوشته‌های ادبی منحصر به‌فرد و در نوع خود کم‌نظیری نیز باشیم.

به هر سو، آن‌چه مبرهن است این است که جهان پس از کرونا تغییرات محسوس و غیرقابل بازگشتی را تجربه خواهد کرد و چه بسا این بیماری فراگیر به عنوان نقطه عطفی در تاریخ، شاخصه‌ای برای تفکیک یک دوره تاریخی باشد و تاریخ به جهان پیش از کرونا و پس از کرونا تقسیم شود. بی‌تردید این تفکیک زمانی میدان ادبیات را نیز در خواهد نوردید و

شاهد ادبیاتی متفاوت از آنچه پیش از این بحران متداول بوده خواهیم بود. ادبیاتی نو که موضوع آن کرونا، ویروس‌ها و بحران‌ها، دردها و رنج‌های فراگیر بشری، طنز تلخ، فکاهیات و مطایبه‌گویی و... خواهد بود.

بازتاب شیوع کرونا در ادبیات الجزائر

ادبیات، ثبت لحظه‌های تاریخی است چه شیرین و چه دشوار. کروناویروس جدید نیز حادثه‌ای معمولی نیست و بسیار پیچیده‌تر از اپیدمی‌هایی هم‌چون طاعون و وبا پدیدار شده است. زیرا چنین شیوعی در زمانی که بشر مدعی فتح آسمان‌ها و اعماق زمین است بسیار غافلگیرکننده می‌نماید و این که چنین ناتوان از برخورد با بیماری جدید در مقابل نجات جان انسان‌ها عاجز گشته است و هرروز شاهد آمار تازه‌ای از افزایش شمار قربانیان ویروس است، نوعی ترس و ابهام از آینده‌ای نامعلوم را بر جامعه بشری مستولی کرده است. در این میان، سهم نویسندگان در همراهی با جامعه برای حل بحران کم نیست. خامه به‌دستانی که در لحظه‌های حساس تاریخی کشور خود از نبرد و پیروزی تا تظاهرات و بیماری با مردم خود هم‌پای بوده‌اند.

الجزائر در برهه‌های تاریخی مختلف شاهد ظهور ادیبان برجسته‌ای بوده که برای همیشه در حافظه این ملت ماندگار گشته‌اند و برخی سروده‌های ایشان با وجود گذر سال‌ها همچنان روح حماسه و ایثار را در قلب مردمان این سرزمین می‌دمد. از پویاترین حرکت‌های انقلابی مردم الجزائر بر ضد ستم و استبداد و استعمار فرانسه، انقلاب الجزایر بود که بعد از صد و سی سال جان‌فشانی و فداکاری ملت، در سال ۱۹۶۲ به پیروزی منتهی شد. نکته قابل توجه در این انقلاب، مبارزه شاعران و ادیبان با بیان و قلم علیه استعمار بود. از جمله این شاعران "مفدی زکریا" شاعر انقلاب الجزایر و سراینده سرود ملی «قسما» سرود حماسی و جاودانه الجزایر است. در واقع، سرود «قَسَمًا» (به معنی سوگند می‌خوریم) سرود معروف انقلابیون الجزایر است که پس از استقلال از فرانسه به عنوان سرود ملی این کشور انتخاب شد. مفدی زکریا این شعر را در آوریل سال ۱۹۵۵ میلادی در زندان سروده است:

قسما بالنزلات الماحقات / والدماء الزاکیات الطاهرات / والبنود اللامعات الخافقات / فی الجبال الشامخات الشاهقات / نحن
ثرنا فحیة أو ممات / وعقدنا العزم أن تحیا الجزائر / فاشهدو... فاشهدو... فاشهدو...

(سوگند می‌خوریم به آذرخش‌های بُرآن / و به خون‌های پاک روان / و به پرچم‌های درخشانی که در اهتزاز است / و بر فراز کوهستان‌های بلند در پرواز است / که ما به پا خاسته‌ایم؛ یا زنده خواهیم ماند و یا این که خواهیم مرد / عزم خود را جزم کرده‌ایم که الجزایر زنده بماند / شاهد باشید! شاهد باشید! شاهد باشید!..)

پس از استقلال الجزائر، شاید یکی از مهم‌ترین حوادثی که باعث شد نویسندگان الجزائری در صف مقدم اعتراضات علیه حکومت بایستند، نامزدی مجدد عبدالعزیز بوتفلیقه در انتخابات بود که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد موجی از اعتراضات مردمی را به‌همراه داشت.

حال که با شیوع کرونا تب و تاب تظاهرات در الجزائر برای مدتی فرونشسته، گویی ادبیات برای پرداختن به بحران جدید مجالی نو یافته است تا این بار نه در تحریض ملت برای خروج از خانه و حضور در تظاهرات بلکه در دعوت مردم به حفظ حریم خود و دیگران برای مقابله با کرونا به میدان آید؛ موضوع تازه‌ای که این روزها گریبان‌گیر تمام کشورهای جهان شده و به یک بحران جهانی مبدل گشته است.

قدر مسلم این است که جهان پس از کرونا دیگر آن عالم پیشین نخواهد بود و ادبیات نیز تحت تأثیر برهم خوردن توازن پیشین، رویکردهای متفاوتی از آن را که در گذشته بوده پیش‌رو خواهد گرفت. اگر تا پیش از این صحبت از مبارزه برای احقاق حقوق قانونی بود این‌بار صحبت از تربیت نسلی است که احترام به حقوق یکدیگر را برای جلوگیری از انفجار یک اپیدمی بیاموزند. و اگر پیش از بروز فاجعه‌ای به‌نام کووید ۱۹، شعر و ادبیات، مردم را به حضور در میدان و احقاق حق خود دعوت می‌کرد اکنون و با تغییر معادلات، ترک میادین و اجتماعات و در خانه ماندن درخواست می‌شود.

حال این پرسش مطرح است که باز تاب بحران جدید در ادبیات الجزائر به چه شکل بوده است؟ به دیگر سخن، کرونا بر ادبیات الجزائر به‌ویژه در زمینه شعر چه تأثیری بر جای نهاده است؟

حجم قابل توجه سروده‌ها و نگاشته‌های ادبی نویسندگان برجسته این کشور در برهه زمانی کنونی و با رویکرد پرداختن به موضوع پیدایش و شیوع کرونا و ویروس جدید چندان غریب نمی‌نماید؛ زیرا ادبیات در سختی و به هنگامه پیروزی و شادی به یک میزان با مردم همراه بوده است و جای تعجب نیست اگر خامه نویسندگان در بحرانی که تمام جهان را در خود فروبرده به جوشش آید؛ به‌ویژه در شرایطی که آمار فاجعه‌بار قربانیان، عاطفه انسان‌ها را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است.

این آفرینش‌های ادبی که عموماً در صفحات اجتماعی متعلق به نویسندگان و شاعران منتشر می‌شود و در اختیار همگان قرار می‌گیرد نشان از واکنش‌های متعدد ادیبان الجزائری به بحران جدید دارد که بیش‌تر بر هدایت مردم برای درک عمق بحران و توجه به هشدارهای دولت و نیز تلاش برای دمیدن روحیه امید در جان مردم برای مقابله با کرونا متمرکز شده است.

در این جا سروده "لا تبتئس" (ناامید مشو) از دکتر علی ملاحی یکی از شعرای معاصر الجزائر به عنوان نمونه‌ای که انعکاس‌دهنده عواطف ادیبان در مواجهه با پاندمی کرونا است انتخاب شده که در ادامه ابیاتی از آن به همراه ترجمه فارسی متن ذکر می‌شود.

كُنْ واسعَ البالِ.. احترِس / فى الحائِطِ النيرانِ / كورونا على الأبوابِ تصطادُ النفسَ / كُنَّا نخافُ مِنَ العَسَسِ... صرنا نخافُ على العَسَسِ / لا تبتئس / الموتُ فى المرآةِ... فى المرآةِ اكليلٌ نجس / يا صاحِبى قُلْتُ احترِس...! الشمسُ مُثقلَةٌ الهوى ... والشَّمْسُ غَطَّاهَا الدَّنَسُ / لا تبتئس / لَحَظَاتُ هذا القَلْبِ فى دَقَاتِهَا تخشى الجرسَ / مَا بَالُهُ القَلْبِ المَتِيمِ بِالحياةِ قَد التَّبَسَ / وَالعَمْرُ مُخْتَزِلُ المَدَى... وَمُعَلَّقٌ فى كَبوَةِ كَالثَلجِ مَكسُورُ الأَسسِ / لا تبتئس / قَد قَالَ ملاحى لِكُورونا احترِس...! فى البَابِ نَاعِسَةً...! يَا وَيْحَ مَنْ فى كَفِّها -سَهوًا- نَعَسَ.

(آرام باش.. مراقب باش / در دیوار افروخته / کرونا در آستانه در، جان را صید می‌کند / تا پیش از این از نیروهای نظامی هراس داشتیم / اکنون بر آن‌ها دل می‌سوزانیم / ناامید مشو / مرگ در آینه است.. در آینه دسته‌گلی آلوده است / ای دوست من.. هشدار دادم که مراقب باش! / نفس‌های خورشید سنگین است... زنگار آن را پوشانده / ناامید مشو / ضربان این قلب در تپیدنش بیم‌آزیر دارد / این قلب شیفته زندگی را چه شده که ناامید گشته است؟ / زندگانی کوتاه است... در لغزشی معلق است همچون برف سست بنیاد / ناامید مشو! / ملاحی هشدار داد که مراقب کرونا باش! / در آستانه در خمار ایستاده... وای بر تو که در دستان او ناگهانه خوابت برد)

جوی از امید، آرزو، ترس و هشدار در این شعر نمایان است. شاعر با کاربست آرایه‌های مختلف ادبی سعی در تجسم واقعه و هشدار به هم‌وطنان خود برای درک وضعیت موجود را دارد. او مرگ را نزدیک و انعکاس آن را در آینه به تصویر کشیده است و آن‌جا که خورشید را آلوده به غبار بیان نموده، در واقع از همه‌گیر شدن ویروسی که کره خاکی را در بر گرفته و شعاع آلودگی آن تا خورشید رسیده است، صحبت می‌کند.

ترس از نیروهای نظامی پیش از شیوع کرونا بیان‌گر تقابل مردم و نیروهای نظامی در جریان اعتراض‌های عمومی مردم در خیابان‌های الجزائر است که اکنون این ترس جای خود را بر شفقت و ترحم به حال نیروهای نظامی داده که برای مقابله با بحران جدید جان می‌فروشند و فشار مضاعفی را برای پیش‌گیری از شیوع بیماری جدید متحمل می‌شوند.

تکرار احترس (مراقب باش) و لا تبتئس (ناامید مشو) که یکی هشدار و دیگری تسکین است، بیم و امید را به یک میزان تداعی می‌کند. بیم از بروز از فاجعه‌ای انسانی با بی‌توجهی مردم و تلاش برای احیای جو امید در شرایط بحرانی حاضر که جامعه را ناامیدی و وحشت از سرنوشت نامعلوم فرزندان بشر فرا گرفته است.

شاعر، کرونا را چون صیادی که در آستانه در ایستاده و منتظر شکاری جدید است به تصویر می‌کشد و با استفاده از فعل مضارع "تصطاد" (شکار می‌کند) که بر جنبش و دوباره شدن دلالت دارد به‌خوبی حضور بیماری را که روز به روز قربانیان جدیدی می‌گیرد در قالب کلمات تجسم بخشیده است. تجسم کرونا ایستاده بر آستانه در، نشانه‌ای از نزدیک بودن مرگ است و تکرار واژه مراقب باش نگرانی شاعر را از بی‌توجهی مردم در زمانی که جامعه برای مصون ماندن از گسترش اپیدمی نیازمند هوشیاری و توجه همگان است نشان می‌دهد.

دکتر ملاحی با این قصیده که با عاطفه‌ای صادق به بحران کرونا در الجزائر می‌پردازد در آفرینش ادبیات پساکروناپی در این کشور سهیم شده و برگی نو را بر ادبیات بحران در الجزائر افزوده است.

همان‌گونه که دیدیم، ادبیات در بحران‌های مختلف و به شکل‌های متفاوت حاضر است و در بحران بیماری جدید نیز رسالت خود را فراموش نکرده و در هدایت مردم و دمیدن روح امید میان جامعه به میدان آمده است. قصیده‌ای که بررسی شد تنها نمونه‌ای از آفرینش‌های ادبی شاعران الجزائری است. نمونه‌های مشابه متعددی از این دست را می‌توان در ادبیات سایر ملت‌ها از جمله کشورمان ایران یافت کرد. بی‌شک این تشابه نشأت گرفته از پابندی اصحاب قلم به حمایت از جامعه در برابر بحران‌هایی است که مردم را تهدید می‌کند و احساس مسئولیت ایشان برای حفظ روحیه مردم با اتکا به قلم توانا و ذوق سرشار.

پیام برای مردم

آنچه در وضع کنونی حائز اهمیت است، توجه به هشدارهای دولت برای مهار بحران و لزوم پابندی به عدم خروج از خانه جز در مواقع ضروری است. بی‌تردید این تغییر سبک زندگی خالی از مشقت و فشار روحی نیست. برای کاستن از فشار شرایط حاضر، ادبیات می‌تواند مأمونی تسلا بخش برای دلهره ناشی از حضور و شیوع بیماری باشد. پس، اکنون که کرونا منجر شده فراغت بیش‌تری برای انجام فعالیت‌ها ایجاد شود، پیشنهاد می‌شود توجه به شعر و ادبیات امیدبخش، جایگزین مراجعه مستمر و ملالت‌آور به اخبار هراس‌انگیز و بعضاً اغراق‌آمیز شبکه‌های اجتماعی مختلف به‌ویژه رسانه‌های خارجی آن‌سوی مرزها شود.

پیام برای سیاست‌گذاران

ادبیات و انواع هنرهای زیبا در طول تاریخ اثبات نموده که می‌توانند در جهت‌دهی حرکت‌های مردمی بسیار اثرگذار باشند. از این رو ظرفیت مناسبی را فراروی کارگزاران برای بهره‌گیری صحیح از نفوذ ادبیات در میان مردم قرار می‌دهند تا با استفاده از این ظرفیت، جامعه را به سوی مهار بحران کرونا هدایت نمایند. لذا پیشنهاد می‌گردد مسئولین با در نظر داشتن این تأثیرگذاری بی‌بدیل انواع هنرها مخصوصاً شعر و ادب میان مردم، به حمایت از نویسندگان و نشر آثار ادبی توجه بیش‌تری نموده و با استفاده از ظرفیت‌هایی چون رسانه ملی، شبکه‌های اجتماعی و... این آثار را به مردم عرضه کنند.

دعوت از شاعران و ادیبان برجسته کشوری به مناسبت‌های مختلف و تلاش برای معرفی آثار ایشان در موضوع کرونا، علاوه بر تجدید حیات ادبیات در جامعه و استقبال بیش از پیش عموم مردم از مطالعه آثار ادبی نو، بی‌شک در معرفی و شناساندن شاعران معاصر به جامعه نیز اثرگذار خواهد بود.

تدوین اثری جامع که گلچینی از شاهکارهای ادبی نویسندگان را در زمان کرونا گرد آورد، می‌تواند به عنوان ادبیاتی نو با مضامینی کم‌سابقه در تاریخ ادبیات ایران ماندگار شود. لذا پیشنهاد می‌شود با تشکیل کارگروهی از متخصصین امر، تدوین این اثر جامع در دستور کار قرار گیرد.

منابع

۱. فارسیان، محمدرضا و قادری، فاطمه؛ (۱۳۹۸)، بازتاب مفهوم مرگ در اندیشه آلبر کامو و صادق هدایت، مجله مطالعات زبان و ترجمه، سال ۵۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۲. میرزا بابازاده فومشی، بهنام و زارع، فاطمه؛ (۱۳۸۹)، تاریخ‌گرایی نو: بازنگری ارتباط تاریخ و ادبیات از منظری نوین، نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، بیرجند، دانشگاه بیرجند.
۳. نریمانی و همکاران؛ (۱۳۹۵)، نقش ادبیات در تاریخ‌نگاری و پژوهش تاریخی، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، تربت حیدریه، دانشگاه تربیت حیدریه.